



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۹/۲۰

رفعت حسینی

وارسی دلایل انحطاط شعر معاصر پارسی افغانستان

شعر امروز افغانستان بلسان پارسی شایستگی بایسته ندارد. از دریچه اندیشه من، برخی از اسباب پوسیدن، فساد، زوال و منحن شدن آن، در نکته های زیرین نهفته هستند:

شاعران مارکسیست/لینینیست درین تباهی شعر افغانستان درین چهل سال پسین نقش مهم و اساسی دارند.

همانگونه که رهبران پرچمی یا خلقی با اندیشیدن ناقص و بیمار، زمینه های آشوب معنوی و مادی افغانستان را فراهم و زمینه سازی نمودند، سخنوران و سرودگران خلقی/پرچمی گام های ناستوده و باصطلاح <انقلابی>، با اشعاری که تنها شایستگی برای خوانش در یک میتینگ {سیاسی/انقلاب ثوری} داشت، نابخردانه شعر ساختند.

بارق شفیعی، سلیمان لایق، عبدالله نایی، اسدالله حبیب، لیلاکاویان، عنایت پژوهان گردانی، عبدالعظیم شهبال، دستگیر پنجشیری، میر عبدالقادر ابهر، بیرنگ کوهدامنی از نامبرداران شعر انقلابی می باشند.

این افراد یاخواست خود، یابه دستور شعبه تبلیغ و ترویج کمیته مرکزی حزب خلق، در زمینه ها و موضوعات مشخص و مرتبط به انقلاب ثور، سرودها و اشعاری کذایی، قلابی و طمطراقی نوشتند. کاملاً و بیخی همانند شاعران مداح ستمگران در شعر کلاسیک پارسی.

بارق شفیعی در خانه اش در مرویان کابل، فکرمی کند که یک مقاله سیاسی انقلابی/مارکسیستی می نویسد. همان دهقان خسته پیر است و همان کارگر پرتوان بابازوهای پولادین و سازنده دورانی انسانی:

دیگر به جان رسیده ز بیداد و ظلم خان
تیغ ستم نشسته چنانش در استخوان
کاکنون دگر به لطف کس امیدوار نیست -
جز بازو وان کارگر و پرتوان خویش
جز دوستان پیشرو و قهرمان خویش

افزون بر این درنمایه ها و نظایران، شاعران چپ افغانستانی، مفاهیم وابسته دیگری را که در اندیشدن مارکسیستی-لینینیستی لازمی هستند در شعرهای خویش بازتاب داده اند که همگی از نشانه های ایدئولوژی مارکسیسم و منظومه فکری این نظام هستند.

مثل > خودآگاهی، نظام بهره کشی مالکیت، لزوم اتحاد کارگران و زحمت کشان جهان، نظام مطلوب سوسیالیسم و ووووو. <

سلیمان لایق آرزوی جهانی سوسیالیسم را چنین بیان می کند:

همه یک دست و یک آواز شوند
یک جهان دگر آباد کنند

این وطن را و در آن انسان را
از بلای ستم آزاد کنند
بعد خورشید جهان سربکشد
آسمان خنده زند رام شود
خاکها مشک شود، عود شود
آبها باده شود جام شود
/

اسدالله حبیب شاعر و نویسنده انقلابی! خاکستان! افغانستان بود:
(داس ها و دست ها) رانوشت و شعرهایی که یک توت سیاه هم ارزش ادبی/هنری ندارند. یک توت
از یک سروده وی:

کابل!

در میان رسته ات
زرگران زرو لاجورد
حلقه ها به گوش آفتاب کرده اند
حلقه ها به گوش ماه
حلقه به گوش هر یک از ستاره ها
و آهنگران تو
پتک ها بلند
کوره ها و سینه ها همیشه گرم
عصر تازه ، زنده گی تازه را عقید مند
کابل!

ای تو شهر شهر ها
شهر انقلاب
شهر کار
آشیانه امید های من !

و عبدالله نایبی فکرمی کند که در یک مظاهره در پارک زرنگار کابل <غالمغال!> می نماید و با این
گونه شعور و پیمایش ذهنی، شعرمی سراید.
اوبه ادبیات و هنرنمی اندیشد.

نایبی در آن شب و روزیکه افراد بسیاری در سراسر افغانستان در زیر شکنجه های حزبی های رفیق او
می میرند و در گردخایه های مرد ها و در پستان بانوان سیم برقدار می گذارند، و خانواده ها پای پیاده
بسوی پاکستان و ایران در گریز هستند، برای حزب آدمکش و ستمگر خلق معبودش گهای گردنش را
می پنداند و < جیغی برای انقلاب ثور > ، می زند:

فراز دشتها فراز خانه ها
فراز دستها فراز شانه ها
فراز ابرها فراز بادها
فراز دادها فراز خنده ها

زبان میکشی درفش لاله گون
زبان میکشی درفش پرز خون

ایادرفش سرخ انقلاب ما
ایا درفش داغ آفتاب ما

به پینه های ارغوانیت قسم
که تانبرداخرین می رویم
ترابه تاج آفتاب می نهیم
وتارهایی زمین می رویم

زبان میکشی درفش لاله گون
زبان میکشی درفش پرزخون
ایادرفش سرخ انقلاب ما
ایا درفش داغ آفتاب ما

لطیف ناظمی در زمان هایی که وزیر درزعامت حزب خلق بود، برای مدافعان! انقلاب!، اعضای حزب خلق، که برای جنگ به ولایات فرستاده می شدند، شعر حماسهء شکوه شهادت را سرود:

درگورهای کوچک بی نام
در لحظه های پاک نجابت
این خواب نقره بین شما دانم
خواب شقایق است
دیدار در نهایت میعاد است
هر قطره خون تان به دل خاک
باغی پراز ترانهء مرجان است
آلاله های وحشی فرداست
فواره های آتش و فریاد است.

هان ای کبوتران مسافر
در شهر سرخ خنجر و خون و خاک
فریاد کودکان برهنه
پر خاش مادران گرسنه
اندوه همسران علیل تان
ر هتوشه های هجرت تان باد
مرثیه های ملت اندوهگین تان
نذر ره شهادت تان باد!

بارق شفییعی باتفکری کمونیستی، در شعری، قیام تخیلی و تصویری باصطلاح کمونیستی را اینگونه در شعر می گنجاند:

خیز تا با اتحاد خلقها
وز قیام خشمگین و بی امان
سرنگون سازیم و غرق خون کنیم-
کاخ استبداد و استبدادیان

سازمان بردگی را دردهیم
زندگی را جلوه‌ی دیگر دهیم

شعرهای چپ کمونیستی افغانستان در سالیان دهه شست خورشیدی شگوفه میزند و میوه های زهر آگین پخش می کند. داستان نویسان چپ اندیش هم در همین دوره آثار زیادی نوشتند. می شود با توانمندی واقعی یاد نمود که ایدئالوژی مارکسیسم روسی در شعرپارسی افغانستان حضوری پررنگ و تأثیرگذار داشته است.

د پانوی شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په څير و لولئ